

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اصول الدین

تهران

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

مودت اهل بیت (ع) و جایگاه آنان در قرآن کریم

استاد راهنما

دکتر غلامحسین تاجری نسب

استاد مشاور

دکتر محسن میرباقری

نگارش

تهمینه تقوی

نیمسال: دوم سال تحصیلی: ۸۷ - ۱۳۸۶



كلية اصول الدين

طهران

قسم: علوم القرآن و الحديث

رسالة الماجستير

عنوانها:

اهل البيت، مودتهم و منزلتهم في القرآن الكريم

الاستاذ المشرف

الدكتور غلامحسين تاجرى نسب

الاستاذ المشاور

الدكتور محسن ميرباقرى

اعداد

تھمينه تقوى

السنة

۱۴۲۹

تقدیم

تقدیم به حضرت رسول اکرم ﷺ و مولا امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و بی بی دو عالم، قطب
ائمه، ام الائمه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام.
تقدیم به روح امام راحل و شهدای تاریخ، به ویژه شهدای دشت کربلا و دفاع مقدس، روح علما و
سنگربانان اسلام و استوانه‌های توحید.
تقدیم به روح بلند علامه فقید سیدمرتضی عسکری و به پدر و مادر مهربان و همسر عزیزم.

سپاسگزاری

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله.»

حمد و سپاس و ستایش خداوند متعال و مهربان که ما را به راه راست هدایت نمود و عشق و محبت اهل بیت عصمت و طهارت را در دل ما تثبیت و ما را از متمسکین به مولایمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار داد و ما را در راه ایشان و به سمت آنها سوق داد. قلم و زبان این بنده حقیر عاجز است از حمد و سپاس الطاف بی‌کران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام که گردآوری این رساله شامل حال من شد.

از الطاف نورانی و راهنمایی‌های پدرانۀ مربّی نفوس علامه بزرگوار مرحوم سید مرتضی عسکری تشکر و قدردانی می‌کنم و اما بعد این رساله حاصل زحمات بی‌شایبه بزرگواران و عزیزانی است که حق بزرگی برگردن این حقیر دارند؛ از جمله این بزرگواران باید از پدر و مادر مهربان و فداکارم که مرا در مسیر اهل بیت تربیت کرده و همیشه کمک‌های آنها شامل حال من شد، تشکر نمایم و همچنین از راهنمایی‌ها و همکاری‌های اساتید دانشمند و بزرگوار جناب آقای دکتر غلامحسین تاجری‌نسب و جناب آقای دکتر محسن میرباقری کمال تشکر را دارم و از همسر مهربان و دلسوزم که واقعاً در این مسیر از من حمایت و پشتیبانی کردند و در هر لحظه راهنما و مشوق من در انجام این کار بودند تشکر می‌کنم.

و السلام علی عباد الله الصالحین

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	کلیات
۴	اهمیت موضوع
۵	فرضیه تحقیق
۶	هدف و انگیزه تحقیق
۶	سابقه تحقیق
۶	روش تحقیق
۷	منابع تحقیق
۷	کلیدواژه‌ها
۹	فصل اول: قربی، اهل بیت پاک و مطهر
۱۰	۱. قربی چه کسانی هستند؟
۱۰	۱-۱. معانی قربی و مخاطب آیه مودت
۱۶	۲. نزدیکان پیامبر (اهل بیت) چه کسانی هستند؟
۲۲	۳. اهل بیت پیامبر ﷺ ۱۳ معصوم پاک و مطهر هستند
۲۲	الف) آیه تطهیر
۲۷	ب) آیه مباحله
۲۸	ج) حدیث ثقلین
۲۹	د) حدیث شریف کساء
۳۰	ه) حدیث سفینه
۳۱	و) نقل چند حدیث دیگر

۳۳	فصل دوم: مودت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴	۱. مودت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۷	۲. محبت و پیروی کردن از اهل بیت به تنهایی دست انسان را نمی‌گیرد
۵۲	۳. اجر مودت شامل چه کسانی می‌شود؟
۵۹	۴. راه‌های ایجاد محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در نوجوانان و جوانان
۵۹	الف) نقش محبت
۶۰	ب) راه‌های ایجاد محبت
۶۰	۱. استفاده از علاقه برای محبوب واقع شدن
۶۱	۲. بیان فضیلت حب آل پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۶۱	۳. طرح نیازمندی انسان به این محبت و بهره‌مندی از آن
۶۲	۴. ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۳	۵. تعظیم و تکریم
۶۴	۶. ذکر فضایل اهل بیت و فرهنگ آنان
۶۴	۷. گره زدن خوشی‌های زندگی به حیات ائمه <small>علیهم السلام</small>
۶۵	۸. معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر
۶۵	۹. تشکّل‌های دینی
۶۵	۱۰. ایجاد فضای روحی و معنوی
۶۸	فصل سوم: فضایل اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۹	الف) آیاتی از قرآن درباره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۷۵	ب) احادیثی درباره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۷۸	ج) فرازهایی از زیارت جامعه کبیره
۹۱	د) فضایل اهل بیت از کلام مولا علی <small>علیه السلام</small>
۹۳	فصل چهارم: نتایج دوستی و محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۹۴	۱. دوستی و حب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> دوستی خدا را در بر دارد

- ۹۴ ۲. دوستی اهل بیت علیهم السلام سبب معرفت و شناخت حق و سلامتی از انحراف می شود
- ۹۵ ۳. سبب استکمال دین می شود
- ۹۵ ۴. حب اهل بیت، اطاعت از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله رستگاری بزرگ را به همراه دارد
- ۹۵ ۵. تمسک به اهل بیت علیهم السلام، تمسک به عروة الوثقی است
- ۹۶ ۶. سبب اطمینان قلب و طهارت آن می شود
- ۹۶ ۷. حب اهل بیت علیهم السلام مسبب حکمت می شود
- ۹۶ ۸. فریادرسی به هنگام مرگ
- ۹۷ ۹. شفاعت روز قیامت را در بر دارد
- ۹۷ ۱۰. سبب توبه، مغفرت و قبولی اعمال می شود
- ۹۷ ۱۱. نورانیت در روز قیامت
- ۹۷ ۱۲. در امان بودن از هول و هراس های روز قیامت
- ۹۸ ۱۳. سبب داخل شدن در بهشت و نجات از آتش است
- ۹۸ ۱۴. برانگیخته شدن همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۸ ۱۵. خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد
- ۱۰۲ **نتیجه گیری**

۱۰۵ منابع

۱۱۱ چکیده انگلیسی

چکیده

آیات متعددی از قرآن درباره اهل بیت علیهم السلام و فضایل ایشان است که یکی از آنها آیه مودت می باشد که روایات بسیاری از اهل تسنن و علمای شیعه درباره این آیه و اینکه قریبی، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۳ معصوم پاک و مطهر هستند آمده است. آیه مودت یکی از مهم ترین آیات قرآن است؛ زیرا هر که معنی این آیه را بفهمد و بر طبق آن عمل کند، اجر و مزد رسالت را داده است؛ چرا که راه خدا همان مودت ذوی القربی است و مودت به ذوی القربی که اهل بیت عصمت و طهارت هستند همان راهی است که بنده برای وصول به مقام توحید بر می گزیند و تنها راه و سریع ترین راه اتصال به ارواح طیبه است، راهی برای رسیدن به کمال و هدایت به سوی سعادت جز مودت اهل بیت و تمسک به آنها نیست.

در این رساله، در مقدمه کلیاتی در زمینه آیه مودت، اهمیت این موضوع و شیوه گردآوری مطالب و نوآوری آن، فرضیه ها و سابقه تحقیق در فصل اول، معانی قریبی و مودت از نظر لغوی و اصطلاحی و سپس نظر برگزیده بیان شده است.

در فصل دوم، مودت اهل بیت و اینکه منظور از این مودت چیست و اجر مودت شامل چه کسانی می شود و همچنین راه های ایجاد محبت در کودکان و نوجوانان مطرح شده است.

در فصل سوم به قسمتی از فضایل اهل بیت علیهم السلام از دید قرآن و سنت پرداخته شده که از دید قرآن اشاره به آیه تطهیر، اکمال دین، آیاتی از سوره انسان و... شده است.

در فصل چهارم به بخشی از نتایج دوستی و مودت اهل بیت با استفاده از قرآن و حدیث، پرداخته شده که از جمله این نتایج مودت و دوستی اهل بیت، سبب معرفت و شناخت حق می شود، سبب اکمال دین، اطمینان قلب، حکمت نورانیت روز قیامت و... می باشد.

مقدمه

قرآن و امامان معصوم در واقع دو مظهر یک حقیقت هستند؛ یعنی انسان کامل، قرآن به تصویر کشیده شده است و قرآن کریم، انسان کاملی است که تدوین و مدون شده است. امامان معصوم ما یعنی چهارده معصوم، قرآن عینی هستند و قرآن، امام علمی برای ما انسان‌هاست. امام، قرآن ناطق و قرآن، امام صامت و خاموش است. امام، صراط و راه عینی است و قرآن، صراط علمی است و این دو در کنار هم تکمیل‌کننده معارف و حقایق دینی هستند. همان‌طور که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان فرمود:

أَنْتِ تَارِكُ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ، مَا أَنْ تَمْسُكْتُمُ بِيَمَانِيْنِ تَضَلُّوْا بَعْدِي، كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ أَنْهَمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرْدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا^(۱).

من دو گوهر گرانبها در میان شما به یادگار گذاشتم، تا زمانی که به آن دو چنگ بزنید، گرفتار گمراهی نمی‌شوید. آن دو گوهر کتاب خدا و عترت من است که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید که بعد از من چگونه با آن دو برخورد خواهید کرد.

که به حدیث متفق علیه فریقین معروف است. از این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کاملاً اتحاد و یگانگی قرآن و عترت طاهره مشخص می‌شود که یکی از آثار اتحاد این دو آن است که هر دو یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله،

۱- بحار الانوار، ۱۰۰/۲.

انسان‌ها را به راه مستقیم خداوند، که موجب زندگی پاک و سبب نجات انسان‌ها از مرگ جاهلی است، دعوت می‌کنند. یکی دیگر از آثار این اتحاد این است که هر یک از این دو مخاطبان خود را به دیگری فرا می‌خواند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

لا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلوا^(۱).

هدایت را از غیر قرآن نجوید که گمراه خواهید شد.

و قرآن می‌فرماید:

ماء اتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا^(۲).

یکی دیگر از آثار اتحاد این دو آن است که همان‌گونه که قرآن معصوم است و از خطا و اشتباه در امان

است چنانچه خداوند می‌فرماید:

انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون^(۳).

آیاتی از همین قرآن بر عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. یکی از آنها آیه تطهیر است:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً^(۴).

که عصمت اهل بیت علیهم السلام را در بر می‌گیرد وقتی پای عصمت و طهارت به میان بیاید افراد دیگر را

شامل نمی‌شود.

۱- بحار الانوار، ۱۱۷/۸۹.

۲- الحشر / ۷.

۳- الحجر / ۹.

۴- الاحزاب / ۳۳.

کلیات

اهمیت موضوع

مودت اهل بیت علیهم السلام یکی از بنیادهای دین اسلام است و یک هدیه الهی است نه اینکه ساخته خودمان باشد و از برترین عبادت‌ها به حساب می‌آید و از جمله باقیات الصالحات است. یک عمر زندگی کردن بدون عشق به علی و اولاد علی علیهم السلام هیچ ارزش و اعتباری ندارد و این مودت، در سایه عمل صالح معنا پیدا می‌کند. مودت و عشق به این خاندان پاک، بدون انجام عمل صالح، اجر و مزد رسالت نخواهد بود و انسان بهره و نصیبی از آن نمی‌برد.

کوتاه‌ترین و آسان‌ترین پل ارتباطی با خدا، محبت و مودت به اهل بیت است که انسان می‌تواند ره صد ساله را یک شبه طی کند. یک یا علی گفتن با تمام وجود باید دید که چگونه دست انسان را می‌گیرد و یا یک پیراهن سیاه پوشیدن برای امام حسین علیه السلام نشانگر محبت و مودت به ایشان خواهد بود. پس لازمه مودت و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام اطاعت از ایشان و همراهی با آنها و دوری و برائت از دشمنان و مخالفان اهل بیت است. مودت به اهل بیت علیهم السلام تنها راه میانبر برای رسیدن به خدا و کمال انسانیت است و قطعاً در این مسیر برکات اهل بیت شامل حال انسان خواهد شد. باید به این نکته رسید و باور داشت که بدون دست محبت‌آمیز اهل بیت بر سرمان به هیچ جایی نخواهیم رسید. انسان بدون خدا و یاری اهل بیت علیهم السلام توان انجام کاری را ندارد ولی با خداوند و کانال ارتباطی مودت اهل بیت به جایی می‌رسد که اهل بیت، او را دوست می‌دارند و در هر کجا که سختی برایش پیش بیاید، دستش را می‌گیرند و میهمان سفره اهل بیت خواهد بود. کسانی که از روی بغض و کینه نسبت به اهل بیت بی‌حرمتی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و هتک حرمت نسبت به حریم ائمه ما می‌کنند، به این دلیل است که می‌بینند هر کاری که می‌کنند، نمی‌توانند عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام را از دل‌های مردم بگیرند، لذا تصمیم به بمب‌گذاری در حرم امامان معصوم ما می‌کنند ولی با این کار، فقط خشم و کینه و نفرت مردم را

نسبت به خود و ایادی کفر بر می‌انگیزانند و چیزی که بیشتر و بیشتر می‌شود و ماندگار است فقط عشق و محبت نسبت به خاندان اهل بیت است که این را به وضوح در میان مردم به خصوص در میان نسل جوان می‌بینیم.

عشق و محبت به این خاندان، طرف مقابل را در برابر سختی، مشکلات و مصایب پایدار می‌کند و تحمل او را بالا می‌برد و هر سختی به او رسید با جان و دل می‌خرد. و هر کس به غیر از مسیر خدا و اهل بیت اظهار گامی بردارد اگر به جایی هم برسد پایدار نبوده و عاقبت خیری به دنبال نخواهد داشت و بی‌فایده و بی‌مزد خواهد بود چون رضایت الهی را در بر ندارد و گرمای محبت اهل بیت علیهم‌السلام در قلبش تجلی نخواهد کرد و همیشه احساس خستگی و دل‌زدگی داشته و از فیوضات الهی محروم گشته است. مزد فردی که به قرآن و عترت روی آورد این است که دلش از عشق و محبت علی علیه‌السلام و فاطمه (س) و حسن و حسین علیهم‌السلام و سایر ائمه به خصوص حضرت بقیه الله الاعظم مملو خواهد شد. برای اینکه به خدا برسد و طعم مودت الهی را بچشد، کوتاه‌ترین راه ممکن به درستی مودت اهل بیت علیهم‌السلام است که هر کس این ارادت در وجود او جاری شد، محب خدا می‌شود و خدا و اهل بیت علیهم‌السلام او را عزیز قرار داده و به کرسی ولایت می‌نشانند که در این مجموعه به همه آنها اشاره شده است.

فرضیه تحقیق

۱. قربی، خویشاوندانی هستند که دارای شباهت‌های اساسی با پیامبرند.
۲. تشخیص این شباهت‌ها و تناسب‌ها پیش از همه مقدور آفریدگار جهان است.
۳. لازمه مودت و محبت نسبت به اهل بیت اطاعت، همراهی و برائت و دوری از دشمنان و مخالفان قربی است.
۴. مصادیق قربی، اهل بیت عصمت و طهارت یعنی معصومین پاک هستند.
۵. همه کسانی که از نظر نسب با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خویشاوندند یا سهم سادات به آنها تعلق می‌گیرد، قربی هستند، که این فرضیه پوچ می‌باشد.

هدف و انگیزه تحقیق

به درستی که در این دنیای فانی و وانفسای امروزی که عصر ارتباطات و دنیای اطلاعات است که با گسترش روزافزون علم و تکنولوژی و اختراع و اکتشافات جدید و به زبانی ساده‌تر، ماشینی‌تر شدن زندگی، تنها چیزی که می‌تواند انسان را از منجلاب غرق شدن در این عصر ماشینی نجات دهد، ارتباط با خدا و اهل بیت علیهم‌السلام و توسل به آنهاست و بسیاری از محققان و دانشمندان معترف‌اند که علم منهای اخلاق و در کل علم منهای معنویت، ناقص و ناموفق خواهد بود و انسان صرفاً از طریق قدم گذاشتن در حریم امن الهی و توکل جدی به او و عشق و محبت به ائمه اطهار که در اصل ارجاع به اهل بیت علیهم‌السلام و قرار دادن آنها به عنوان مرجع دینی و علمی است، رشد و تکامل می‌یابد.

سابقه تحقیق

در طول تاریخ نویسندگان و پژوهشگران درباره این دو حقیقت فناپذیر یعنی قرآن و عترت پاک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هزاران اثر به وجود آورده‌اند و هر کدام در حد توان ناقص بشری خود سعی در نشان دادن گوشه‌ای از این اقیانوس بی‌کران نموده‌اند. این حقیر نیز تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ام تا با قلم قاصر خویش قطره‌ای از این اقیانوس را به رشته تحریر درآورم. به دلیل اهمیت این موضوع به خصوص در عصر حاضر، سعی شده در حد توان مطالبی در این زمینه به صورت یکجا گردآوری شود و در اختیار خواننده محترم قرار بگیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از سی‌دی‌های مختلف در این زمینه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

خوب است ابتدا معنای لغوی قریبی و مودت را مورد بررسی قرار دهیم.

قربى

قربى از قرب گرفته شده، اصل در قُرب، نزدیکی است که مقابل بُعد و دوری است، خواه این نزدیکی مادی باشد یا معنوی. و قربى چیزی که فرد را از نظر رحم و نسب نزدیک کند. این قرب اقسام و انواعی دارد^(۱)؛ مثلاً قرب مکانی در آیه فلا تقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا^(۲)، و یا قرب زمانی در آیه الیس الصبح بقرب^(۳) و یا قرب روحانی مثل فانی قریباً اجیب دعوة الداع اذا دعان^(۴)، و یا قرب نسبی است که در آیه اذا حضر القسمة اولوا القربى و الیتامی^(۵) و انواع دیگری که این قرب در آیه مودت را همان قرب نسبی گرفته‌اند. و گفته شده که ظاهراً الف و لام در «القربى» عوض از مضاف الیه است و تقدیر آن «قربای» می‌باشد که مصدر است به معنی فاعل یعنی قریب و یا اهل مقدر یعنی اهل قربای^(۶). با توجه به قرب نسبی همان نزدیکی خویشان را می‌رساند که شامل کسانی می‌شود که دارای نزدیکی و نسبتی با پیامبر بوده‌اند و دارای شباهت‌ها و ویژگی‌های خاصی هستند که دیگران از آن ویژگی‌ها دور می‌باشند. که در جایی آمده منظور قربى، قرابت و خویشان پیامبر ﷺ هستند^(۷).

مودت

مودت از ود گرفته شده است که به معنی تمایل داشتن به چیزی می‌باشد^(۸). کاربردهای مختلفی در قرآن آمده؛ مثلاً درباره خداوند قادر آمده: و هو العفور الودود^(۹)؛ خداوند ودود است، یعنی در قلوب اولیایش محبوب است. و یا آمده: سیجعل لهم الرحمن ودا^(۱۰)؛ یعنی محبتی در قلوب صالحان ایجاد

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۲۷/۹؛ معجم مقایس اللغة، ۸۰/۵؛ قاموس قرآن، ۲۹۶/۵.

۲- التوبه / ۲۸.

۳- هود / ۸۱.

۴- البقره / ۱۸۶.

۵- النساء / ۸؛ لسان العرب، ۶۶۵/۱.

۶- قاموس قرآن، ۲۹۳/۵.

۷- معجم البحرین، ۱۴۰/۲.

۸- التحقیق، ۶۵/۱۳؛ تاج العروس، ۵۲۹/۲.

۹- البروج / ۱۴.

۱۰- مریم / ۹۶.

می‌کند، و مودت یعنی دوستی؛ مانند: **جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً** (۱).

مودت قریبی به معنی دوست داشتن و پیروی از آنهاست (۲)؛ مانند: **قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ**

فِي الْقُرْبَى (۳). و مودت به این معنی پیروی از ذوی القربی که اهل بیت هستند می‌باشد که همان رفتن راه

خداست چون این پیروی به نفع پیروان آنهاست و رفتن راه خدا به سود خود افراد است و اجر و مزد

رسول خدا ﷺ فقط بر عهده خداوند است.

والسلام علی من اتبع الهدی
۸۶/۱۰/۲۲ مصادف با ۳ محرم الحرام

۱- الروم / ۲۱.

۲- قاموس قرآن، ۲۹۶/۵.

۳- الشوری / ۲۳.

فصل اول

قربى، اهل بيت پاك و مطهر

۱. قریبی چه کسانی هستند؟

با توجه به آیه مودت قل لا استلکم علیہ اجراً الا المودة فی القربی، باید به این نکته پرداخته شود که قریبی به چه معناست و مخاطب آیه چه کسانی هستند. طبق بررسی در تفاسیر مختلف با نظر به اینکه در معنی قریبی میان شیعه اختلافی نیست که به آن اشاره خواهد شد، ولی در میان اهل تسنن معانی مختلفی ذکر شده که به آن پرداخته می شود.

۱-۱. معانی قریبی و مخاطب آیه مودت

در این زمینه نظرات زیر مطرح شده است:

الف) خطاب به قریش است و مزدی که از آن سؤال شده آن است که پیغمبر را دوست داشته باشند؛ یعنی مودت و دوستی قریش نسبت به پیامبر^(۱)؛ چراکه پیامبر با آنها قرابت رحمی یعنی رابطه خویشاوندی داشته چون آنها پیامبر را قبول نداشتند و تکذیبش می کردند به دلیل اینکه پیامبر از جانب خداوند مأموریت داشت که آنها را هدایت کند و از پرستش بت ها باز دارد و خطاب پیامبر با آنهاست که اگر ایمان نمی آورید به خاطر خویشاوندی که با شما دارم به من مودت کنید و دشمنی را کنار بگذارید، و با توجه به این نکته «قریبی» به معنای خویشاوندی است و کلمه «فی» در آیه «فی القربی» سببیت را می رساند^(۲).

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ۶۵/۱۸، به نقل از: روح المعانی، ۴۰/۲۵؛ تفسیر سورآبادی، ۲۲۴۶/۴؛ مفاتیح الغیب، ۵۹۳/۹.

۲- همان.

اما این نظریه درست است یا نه، خوب مسلماً درست نمی باشد؛ چراکه اجر و پاداش وقتی معنی پیدا می کند که درخواست کننده اجرکاری انجام داده و یا اینکه سودی را به مردم رسانده باشد و در نتیجه در مقابل آن کار از مردم طلب اجر نماید؛ یعنی پیامبرکاری برای قریش کرده، هدایت شده و ایمان آورده باشند، حال آنکه با باقی ماندن آنها در حالت کفر و تصدیق نکردن پیامبر، جای اجر و پاداشی هم نمی ماند؛ تازه به فرض اینکه ایمان آورده باشند، کار مهمی نکرده اند به یکی از اصول سه گانه ایمان آورده اند نه به همه آن تا باز مزدی و پاداشی را بخواهند بدهند و کینه و دشمنی معنی ندارد که اگر کنار گذاشتند مزد رسالت شود. قبول این نظر، بدترین تعبیر خواهد بود. اصلاً آنها پیامبر را به عنوان یک فرستاده الهی احترام می کردند و دیگر احتیاجی نبود که به خاطر قرابت و خویشاوندی که پیامبر با آنها دارد او را احترام کنند «چراکه به صراحت در آیات دیگر داریم که هیچ مزدی را نمی خواستند»^(۱):

و ما اسئلكم عليه من اجرٍ ان اجرى الا على رب العالمين^(۲).

و بر این رسالت اجری از شما نمی طلبیم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.

قل ما سالتکم من اجرٍ فهو لکم ان اجرى الا على الله و هو على کل شیء شهيد^(۳).

بگو هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان، مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است.

ب) خطاب آیه انصار مدینه است و قریبی همان معنای اول یعنی خویشاوندی است «چون پیامبر در بین انصار خویشاوندانی از سمت مادرش آمنه داشت»^(۴). این معنی هم قابل قبول نیست چون محبت و مودت انصار مدینه به آن حضرت، جای شک و تردید ندارد که پیامبر، انصار مدینه را به مودت خود دعوت کند چون انصار از همان اول کار در نهایت صمیمیت و مهربانی، حضرت را از مکه به مدینه

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ۶۵/۱۸، به نقل از: روح المعانی، ۳۰/۲۵؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۳/۹.

۲- الشعراء / ۱۰۹.

۳- سبأ / ۴۷.

۴- ترجمه تفسیر المیزان، به نقل از: روح المعانی، ۳۰/۲۵؛ مجمع البیان، ۴۳/۹.

دعوت کردند و بعد احترام و پذیرایی لازم را کردند و مهاجران را که همراه پیامبر بودند در خانه‌های خود جای دادند و احسان و محبت کردند و از هیچ چیزی در این زمینه در حق مهاجرین کوتاهی نکردند تازه آنها را بر خود نیز مقدم داشتند و در قرآن آیه و الذین تبوأ الدار و الايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم و لا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا و يؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون^(۱)، گروه انصار را مورد ستایش قرار داده است. با این اوصاف چه دلیلی دارد که پیامبر متوسل به مودت آنها از نظر خویشاوندی شود و در ضمن «عرب، احترامی برای خویشاوند از جهت مادر و زن بودن قایل نبود تا بدین وسیله پیامبر خودش را به قوم خود معرفی کند^(۲)» و نسبت دادن فردی به مادر از نظر عرب نوعی توهین به حساب می‌آید «و این دین اسلام است که به زنان احترام خاصی می‌گذارد و آنان را در خویشاوندی داخل می‌کند و آنان را با مردان برابر و بین بچه‌های پسران و دختران از منظر قرابت تساوی قایل است^(۳)».

ج) خطاب به قریش و اقوام پیامبر اکرم ﷺ است و مودت به قربی یعنی مودت به سبب این قرابت رحمی است. اما منظور از دوستی و مودت، مودت پیغمبر نسبت به آنهاست نه مودت و دوستی قریش^(۴). یعنی اینکه حب و دوستی پیامبر نسبت به آنها علتی شده بر هدایت قریش و دعوت کردن آنها به سوی خدا. آیا می‌شود چنین چیزی را در رابطه با شخصیت رسول اکرم ﷺ قبول کرد؟ اصلاً درست نیست برای اینکه انگیزه نبی اکرم بر دعوت فقط و فقط یک امر الهی بوده و بس و هیچ اراده‌ای در مقابل اراده خدا نداشته است و هیچ‌گونه حب و بغض شخصی در دعوتش تأثیرگذار نبوده است، با توجه به اینکه خداوند یکسری محدودیت‌هایی را در دعوت و هدایت ایجاد کرده که در آیات قرآن به آن اشاره شده؛ مثلاً و ان ما نريتك بعض الذي نعدهم او توفيتك فاما عليك البلاغ و علينا الحساب^(۵)؛ وظیفه تو

۱- الحشر / ۹. «و نیز کسانی که قبل از مهاجران در مدینه جای گرفتند و ایمان آوردند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند؛ هرچند در خودشان احتیاجی باشد آنها را بر خود مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشان رستگارانند.»

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ۶۸/۱۸.

۳- همان.

۴- همان؛ تفسیر سوره بادی، ۲۲۴۶/۴؛ مفاتیح الغیب، ۵۹۳/۹.

۵- الرعد / ۴۰. «و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم یا تو را بمیرانیم جز این نیست که بر تو رساندن پیام و بر ما حساب آنان.»

تنها ابلاغ و یا وظیفه تو تنها دعوت است و هدایت به عهده خود خداوند است و پیامبر نباید به خاطر اینکه کافران کفر ورزیدند و دعوتش را رد کردند ناراحت و اندوهگین شود. پس نمی‌تواند با این مطالب به خاطر رابطه و علاقه فAMILI که با خویشاوندان خود دارد آنها را هدایت کند و یا به دلیل یک دشمنی از هدایت کردن آنها منصرف شود و یا روی بگرداند، این دعوت همگانی بوده است و «محبت پیامبر به مردم از یک محبت الهی سرچشمه گرفته است»^(۱) و قریش و غیرقریش برای ایشان هیچ فرقی نمی‌کند.

د) «مودت به خود قریبا یعنی به خویشاوندان خودتان محبت داشته باشید و خطاب در آیه به قریش یا به عموم مردم فرقی نمی‌کند»^(۲). با توجه به اهمیتی که همه آیات قرآن دارند نمی‌تواند این معنی نیز درست باشد چون مودت به خویشاوندان به طور مطلق معنی ندارد که اسلام، مردم را به آن دعوت کند و مودت قریش یا مردم به خویشاوندان مؤمن معنا ندارد که مردم به آنها مزدی را بدهکار باشند؛ چراکه همه مردم خویشاوندان مؤمن ندارند تا با محبت و مودت ورزیدن نسبت به آنها، مزد رسالت پیامبر اکرم را بدهند و اسلام هرگز مردم را به اینکه نسبت به خویشاوند خود محبت داشته باشند دعوت نمی‌کند و «آن محبتی که اسلام دعوت می‌کند، محبت در راه خداست و برای خدا، بدون اینکه مسئله قوم و خویشی کوچک‌ترین دخالتی در این محبت داشته باشد»^(۳) و دوست داشتن بستگان چه خدمتی به پیامبر است تا اینکه اجر رسالت نیز شمرده شود. البته غافل از این نکته نیستیم که دین ما و اسلام به رَحِم و خویشاوند اهمیت داده است اما به عنوان صلۀ رَحِم و اینکه سفارش شده که مردم با خویشاوندان قطع رابطه نکنند و به آنها کمک و مساعدت در همه چیز، حتی دادن مال به فقرا و... نمایند، نه به عنوان اینکه رَحِم و خویشاوند خود را دوست بدارد «چون صلۀ رَحِم داشتن با محبت فی الله فرق می‌کند و اسلام به هر محبتی غیر از محبت به خدا خط بطلان کشیده است»^(۴) و محبت‌های دیگر را مثل محبت به ائمه و عشق ورزیدن به آنها و حتی محبت به زن، فرزند و همسر و... را در راستای محبت به خداوند قرار داده است؛ چنانچه در قرآن آمده است:

۱- اینترنت، «پایگاه علوم و معارف اسلامی، مکتوبات خطی علامه حسینی تهرانی»، ۱۶.

۲- المیزان، ۶۸/۱۸، به نقل از: روح المعانی، ۳۵/۲۵؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۴۸۱/۱۱؛ تفسیر نمونه، ۴۱۰/۲۰-۴۰۷.

۳- المیزان، ۶۷/۱۸.

۴- همان.

قل ان كان ءاباؤكم و ابناؤكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و
 اموالٌ اقترفتموها و تجارةٌ تخشون كسادها و مساكن ترضونها احبّ
 اليكم من الله و رسوله و جهادٍ في سبيله فتربصوا حتى ياتي الله بامرہ
 و الله لا يهدى القوم الفاسقين^(۱).

همان طور که اطاعت از خدا واجب است در کنار همین اطاعت از او، اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز
 واجب است که به اذن و خواسته خداوند صورت گرفته است و در کنار هم، معنا پیدا می کند:

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم.

هـ) «قربى يعنى تقرب جستن به خداوند است»^(۲) و مودت به قربى يعنى مودت به خداوند از راه
 تقرب و نزديكى به او از راه اطاعت و پيروي کردن می باشد و يا «دوست داشتن اعمال و کارهایی که
 انسان را به خدا نزديک می کند»^(۳). این معنی نیز درست نیست چون جا ندارد که خطاب به مشرکان
 باشد؛ زیرا مهم این است که مردم با خدای خود تودد کنند و مشرکان منکر این ارتباط نیستند و اگر آلهه و
 بت ها را می پرستیدند بر اساس همین دوستی و تودد با خدا و تقرب به سوی او، این کار را می کردند و اگر
 معنای **الا المودة في القربى**، دوستی با خدا از راه عبادت است باید به دوستی خدا به تنهایی مقید شده
 باشد، در ضمن «در این آیه کلمه مودت آمده نه تودد و سابقه ندارد در کلام خدای سبحان مودت بر تودد
 مردم نسبت به خداوند اطلاق شده باشد»^(۴) چون در قرآن هر کلمه ای در جای خودش معنی و مفهوم
 واقعی را می رساند، عکس مطلب فوق در قرآن آمده و خدا را نسبت به بندگان ودود و دارای محبت
 خوانده **ان ربی رحيمٌ ودودٌ**، و از طرف بنده به خدا چنین مفهومی درست و منطقی نمی باشد. و کلمه
 قربى يعنى قرابت از نظر نسب و مسلماً کسی با خداوند از این نقطه قرابت ندارد و بدون دلیل نمی شود

۱- التوبه / ۲۴. «بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کسادهای بیمناکید
 و سراهایی را که خوش می دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست داشتنی تر است پس منتظرش باشید که خدا
 فرمانش را به اجرا در آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی کند.»

۲- المیزان، ۶۷/۱۸، به نقل از: روح المعانی، ۳۵/۲۵؛ تفسیر نمونه، ۴۰۹/۲۰؛ سوره بادی، ۲۲۴۶/۴؛ مفاتیح الغیب، ۵۹۳/۹؛ بیان
 السعادة، ۶۶/۱۳-۶۴

۳- همان.

۴- المیزان، ۶۷/۱۸.

لفظ قریبی را به معنی مطلق تقرب و قرب گرفت و تعبیر دیگری که در این معنا آمده، این است که «مودت فی القربی» همان محبت‌های طرفینی مردم نسبت به یکدیگر در راه تقرب به خداست که این نزدیکی سببی شود برای محبت بین آنها. این طور تعبیر هم ممکن نیست چون «چنین تقریبی را مشرکان هم دارند هرچند از لحاظ دین توحیدی باطل است»^(۱).

و) قریبی همان معنای قرابت نسب و رحم است ولی نه قرابت و خویشاوندی رسول اکرم ﷺ بلکه قرابت و خویشاوندی خود مردم بعضی از مردم با بعضی دیگر است^(۲). با توجه به اینکه هر آیه‌ای از قرآن مفهوم خاص و مهمی دارد چگونه این معنی درست است؛ چون اسلام، صله رحم جاهلیت را قطع نموده و مودت با قوم و خویشان غیرمسلمان به شدت نهی شده است، و حتی «به ضرورت دین اسلام، فرزند شخص کافر از پدر مسلمان خود ارثی را نمی‌برد و برعکس، و از سایر مزایای اجتماعی اسلام، ازدواج و... کفار از آنها محروم‌اند گرچه یک رابطه خویشاوندی با مسلمانان داشته باشند»^(۳). و مودت به خویشاوندان هم چنان که گفتیم در پرتو محبت به خداوند زیبا و پسندیده است.

ز) خطاب آیه به خود رسول اکرم ﷺ است^(۴) که به کافران ملحد بگو برای تبلیغ رسالت خودم اجری از شما نمی‌خواهم بلکه دوستی با نزدیکان و خویشاوندان خود را، که این نظریه هم بر طبق آنچه قبلاً گفته شد باطل و مردود است.

ح) قریبی نزدیکان پیامبر، همان اهل بیت هستند و با این عنوان معرفی شده‌اند در اینکه اهل بیت چه کسانی هستند بین شیعه اختلافی نیست ولی در میان اهل تسنن مواردی ذکر شده است که برای روشن تر شدن این مطلب به توضیحاتی کامل در قسمت بعدی توجه نمایید.

۱-المیزان، ۶۷/۱۸.

۲-اینترنت «پایگاه علوم و معارف اسلامی، علامه حسینی تهرانی»، ۲۰-۱۷.

۳-همان.

۴-مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، ۲۶۹/۱۱.

۲. نزدیکان پیامبر (اهل بیت) چه کسانی هستند؟

برای روشن تر شدن این موضوع، ابتدا به نظریاتی که در این زمینه آمده و اهل بیت را معرفی کرده‌اند، پرداخته می‌شود و سپس در آخر نظریه اصلی و کامل را که مورد اتفاق اکثر علمای اهل سنت است که حتی به آن اعتراف هم می‌کنند ولی باز از گفتن حقیقت ابا دارند آورده و نظریه شیعه که در آن هیچ مخالفتی نیست، مطرح می‌شود.

۱-۲. قاضی ناصرالدین بیضاوی در تفسیر آیه مودت قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى، گفته که «این آیه درباره ابوبکر نازل شده است»^(۱). با توجه به اهمیت آیه، جای تعجب و شگفت اینجاست که با آنکه ابوبکر، فدک را که حق حضرت زهرا(س) بود، از او گرفت و خلافت را که حق آل پیامبر و خاندان پاک او بود گرفت و غصب کرد، با این توهین و بی‌احترامی در حق این بانوی بزرگوار، چگونه می‌توان چنین تفسیری را قبول و تأیید کرد، چگونه ممکن است که شخصی حق کسی را بگیرد و ظلم نماید و باز یک چنین فردی، محب آن فرد هم بشود؟

۲-۲. کل قریش از نزدیکان پیامبر هستند که قتاده، مجاهد و ابن عباس به این موضوع اشاره کرده‌اند^(۲). با توجه به آنچه در معنای قربی و مخاطب آیه گفته شد که قریش نمی‌تواند قربای پیامبر باشد، این مورد هم رد می‌شود؛ چراکه قبول این مطلب زمانی است که قریش هیچ‌گونه مخالفتی با پیامبر نمی‌کردند و حال آنکه آنها در حالت کفر و تکذیب پیامبر باقی ماندند و با ایشان مخالفت می‌کردند.

۱- تفسیر شریف لاهیجی، ۴/۳۷: الکشاف عن حقایق التنزیل، ۲۲۰/۴.

۲- مجمع البیان، ۳۲/۹.

۳-۲. «اهل بیت آن حضرت کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است که آنها فرزندان هاشم و عبدالمطلب هستند^(۱)». که اینها نه در زمان جاهلیت و نه در زمان اسلام پراکنده و متفرق نشدند. با توجه به این معنی اگر دقت شود، این مطلب روشن می شود که همه افراد اعم از فرزندان هاشم و مطلب در مفهوم اهل بیت داخل می شوند که با توجه به آیه مودت باید عده ای محدود مورد نظر باشد که به آن اشاره خواهد شد و این آیه نمی تواند همه را در بر بگیرد.

۴-۲. «اهل بیت مراد کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است مثل آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس که این گفته زید بن ارقم است^(۲)». در ردّ نظریه ۳ و ۴، می توان گفت که تفسیر زید یک تفسیر کاملاً اجتهادی است و معارض با حدیث دیگری از اوست که زنان پیامبر را در اهل بیت داخل می کند و این حدیث، پیامبر ﷺ را از اهل بیت خارج می کند و حرام بودن صدقه تنها به افراد مذکور که زید نام برده است، نمی شود بلکه همه بنی هاشم در این حرمت شرکت دارند، یعنی اینکه همه در مفهوم اهل بیت داخل می شوند که با احادیثی که بعداً می آوریم مخالفت خواهد داشت. بنابراین تفسیر همه خلفای بنی عباس جزء اهل بیت پیامبر هستند و رجس و پلیدی از آنها دور شده و تطهیر شده اند و چه کسی می تواند بگوید که قاتلان امامان معصوم و دیوصفتان و خونریزانی همچون منصور دوانیقی، هارون الرشید، مأمون، متوکل، معتصم و... همه از اهل بیت می باشند و توفیق یافته اند که پاک شوند و به مقام مطهرین برسند؟ چه کسی می تواند ادعا بکند که چنین انسان هایی با آن پرونده های تاریک و سیاه، هم تراز و هم شأن و یا کمی پایین تر از مولایمان علی بن ابی طالب و حسنین علیهما السلام و شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار بگیرد؟

۵-۲. اهل بیت در آیه مودت به ترتیب معرفی شخصیت ها عبارت اند از^(۳): در رأس آنها «سید اولین و آخرین حضرت محمد صلی الله علیه و آله» است که سید ما و سید فرزندان آدم است. در ردّ این نظریه باید نکته ای را اشاره کرد که اهل البیت یعنی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اهل بیت نیست

۱- لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۹۸/۴.

۲- همان.

۳- علموا اولادکم مودة آل البیت، ۱۷.

بلکه سرآمد آنهاست. آیه تطهیر در شأن آنها آمده است و خداوند ایمان به مودت و موالاتشان را وسیله ارتباطی قرار داده است، نسبتشان شریف‌ترین نسب و حسبشان کریم‌ترین حسب است و خلاصه آل ابراهیم هستند. و بعد ام المؤمنین، حضرت خدیجه را که کامل و طاهر است معرفی می‌کنند که با رسول خدا در نسب با هم جمع می‌شوند و از قبیلۀ قریش، دارای حیا و پاکدامنی است که ازدواج نکرد تا اینکه با رسول خدا آرامش یافت. این زن در کارهای تجاری فعالیت داشت و مورد اعتماد و امین بود و در همه لحظات همراه پیامبر بود و این زن یعنی خدیجه در واقع نعمتی بود که خدا به پیامبرش داد و دوست داشتنی‌ترین همسر پیامبر بود و بعد از فوت او، پیامبر در حزن عمیقی فرو رفت. و بعداً حضرت فاطمه زهرا(س) را معرفی می‌نماید که ایشان ریحانه رسول خدا و دختر خدیجه است^(۱). سیده نساء مؤمنین و همسر امام علی علیه السلام می‌باشد که امام علی علیه السلام فقیری بود که به خواستگاری حضرت زهرا(س) رفت و این زندگی سختی‌های زیادی را به همراه داشت، حضرت زهرا(س) از شوهرش اطاعت می‌کرد و ایشان آنچه را که یک طفل در مکه نیاموخت در خانه پدرش یاد گرفت از آیات قرآن، گرفته تا عادات‌ها و خلق و خو و رفتارها و علم، فضل، ارتباط با علوم قرآن و معانی قرآن و مضامین آنها، همه را فرا گرفت. نور ایمان در وجودش باعث رشد و کمال او شد، تدینی کامل و ایمانی راسخ در وجودش بود و شبیه‌ترین فرد به پدرش از نظر روش، گفتار و رفتار بود. از عادات خوب ایشان سکوت بود تا از او سؤال نمی‌شد، صحبت نمی‌کرد و این کار عزت و ارادت ایشان را می‌رساند:

قال رسول الله: فاطمة بضعة مني، فمن اغضبها فقد اغضبني.

رسول خدا فرمود: فاطمه پاره‌تن من است. پس هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است.

و عن بريده -رضي الله عنه- قال: كان احب النساء الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاطمة ومن الرجال، علي^(۲).

و بعداً حضرت علی علیه السلام را معرفی می‌کند که ایشان، جوان میدان جنگ است و جنگ‌های او علم را زنده کرد و عفت را حفظ و ماندگار نمود. ایشان رهبری‌اش بر اساس تقوا، خضوع و فروتنی است، رهبری خوب که بر اساس فقه حُکم و داوری می‌کند. او عالم و اندیشمندی دارای فهم و علم است و فقیهی

۱- علموا اولادکم مودة آل البيت، ۱۸.

۲- همان، ۱۸. «از بریده آمده است که گفت: بهترین زنان برای رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فاطمه و از مردان، علی علیه السلام است.»

دارای نظر و ایده و اندیشه است. فردی دارای آگاهی و بصیرت، دانشمندی پاک و شیخ مهاجرین و انصار و برادر رسول خدا ﷺ و همسر فاطمه (س) و از سبقت گیرندگان در اسلام و... است. در بیشتر جنگ‌ها حامل پرچم پیامبر است و چهارمین خلیفه راشدین و یکی از شش نفر اعضای شورا و از ده نفر بشارت دهندگانی است که به بهشت بشارت داده شده‌اند و آیات تطهیر و مباحله در شأن علی علیه السلام وارد شده، با این وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر خلافت را برای مسلمانان بی نتیجه گذاشت و به خلافت امام علی علیه السلام بعد از خودش هیچ اشاره‌ای نکرد، ولی اشاره به خلافت ابوبکر شده است و بعد هم خلافت عمر. امام علی علیه السلام از اول کسانی است که اسلام آورد و با رسول خدا نماز خواند و در زمان هجرت پیامبر در مکه ماند و امانت‌ها را به صاحبانشان برگرداند و در غزوة تبوک، ایشان نرفت و در مدینه برای حفظ زنان و اهل خانه‌ها ماند و به دلیل عدم حضورش ناراحت شد و گریه کرد که پیامبر به او گفت:

اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی (۱).

و در شب لیلۃ المبیت به جای پیامبر خوابید و جان خود را فدای ایشان نمود. و همان‌طور که پیامبر برای تنزیل قرآن جنگید، ایشان نیز برای تأویل قرآن جنگید. رسول خدا درباره ایشان می‌فرماید:

لا یحبّه الا المؤمن ولا یبغضه الا المنافق (۲).

و صحابه به علم و فقهش گواهی داده‌اند. و بعد از ایشان امام حسن علیه السلام را معرفی می‌نماید کسی که پدرش علی علیه السلام و مادر فاطمه زهرا (س) است و پیامبر صلی الله علیه و آله دهانش را در دهان او گذاشت و گفت:

اللهم انی احبّه فاحبه و احب من یحبّه (۳).

اهل جود و سخاوت بود. و بعد امام حسین علیه السلام را که برادر امام حسن علیه السلام است و پیامبر می‌فرماید:

حسین منی و انا من حسین، احب الله من احب حسینا.

امام حسین، شجاعت را از پیامبر به ارث برده، بردبار و صبور بود و راضی به رضای خدا و آنچه برایش مقدر کرده بود، و از قصه شهادت امام حسین که زخمی عمیق در دل هر مسلمانی می‌گذارد سخن

۱- علموا اولادکم مودة آل البیت، ۹۷.

۲- همان. «جز فرد مؤمن او را دوست نمی‌دارد و جز فرد منافق از او خشمگین نمی‌شود.»

۳- همان، ۱۰۰. «خدایا، به درستی که او را دوست دارم. پس او را دوست بدار و دوست بدار کسی که او را دوست دارد.»

به میان آمده است. لعنت و نفرین خداوند و ملائکه و همه مردم بر قاتلان ایشان باد و خداوند حسین بن علی و همه کسانی که همراه او شهید شدند را رحمت کند. سپس علی بن الحسین علیه السلام که همراه امام حسین در کربلا بود، به علم و عبادت روی آورد و به این دلیل زین العابدین خوانده شد.

فردی بود که زیاد روزه می گرفت و شب زنده داری می کرد و صدقه شب می پرداخت که از ابن کثیر روایت شده که او می گوید: صدقه شب غضب پروردگار را خاموش و قلب و قبر را نورانی می کند و تاریکی روز قیامت را برطرف می کند و آمده که علی بن الحسین می گوید:

ان الصدقة تقع في يد الله قبل ان تقع في يد السائل^(۱).

و بعد زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که مادرش خدیجه است و سپس رقیه و ام کلثوم دو دختر دیگر رسول خدا که رقیه به همراه همسرش عثمان به دلیل اذیت و آزار قریش به دستور پیامبر به حبشه هجرت کردند و بعد به مدینه، رقیه دارای دو هجرت است و خدا از او راضی باشد. ابراهیم پسر رسول خدا یکی دیگر از اهل بیت است که مادرش ماریه بود و ابراهیم در همان دوران کودکی از دنیا رفت. و بعد از اینها زنان پیامبر که اولین آنها خدیجه، بعد سوده، عایشه دختر ابوبکر صدیق که در روایتی از ترمذی آورده که:

ان جبرئیل جاء بصورتها في خرقة من حرير خضراء الى النبي الكريم فقال هذه زوجتك في الدنيا و
الآخرة^(۲)!

بعد از عایشه، حفصه، ام المساکین زینب دختر خزیمه، هند دختر ابی امیه (ام سلمه)، جویریة، صفیه دختر یحیی و...، چرا که آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر است و همان طور که قبل و بعد این آیه مربوط به همسران پیامبر است این آیه نیز مربوط به آنهاست و بعد عموهای پیامبر (حمزة بن عبدالمطلب، عباس بن عبدالمطلب و...) و بعد عمه های پیامبر را نام می برد که باید به تمام آنها احترام کرده و خود را به اخلاق آنها زینت دهیم و جای پای آنها بگذاریم^(۳).

پناه می بریم به خدا، از این همه اشخاصی که نام برده شده و به غیر از پنج نفری که حقاً جزء اهل بیت

۱- علموا اولادکم مودة آل البیت، ۱۶۹.

۲- همان، ۱۷۵. «به درستی که جبرئیل به صورت عایشه در لباسی از حریر سبز به سوی پیامبر آمد و گفت: این همسر تو در دنیا و آخرت است.»

۳- همان، ۲۴۰-۲۰۰.

به حساب می آیند، بقیه افراد را هم داخل در این عنوان مبارک کرده اند و به خود چنین اجازه ای داده اند که این سخنان نسنجیده و نامربوطی را بگویند، لازم و کاملاً ضروری است که بر طبق آیاتی از قرآن و بعد احادیثی که مورد قبول خود اهل سنت نیز هست، نظریه آخر که همان نظر شیعه است را گفته و اهل بیت عصمت و طهارت را معرفی، و سخنان باطل گویان را نابود نماییم.

۲-۶. نظریه آخر که مورد اتفاق شیعه است، این است که اهل بیت کسانی هستند که به مقام طهارت مطلق رسیده اند و طهارت در جان و روح و خیال و نفس و عقل و در همه چیز آنها رسوخ کرده و از عیبها و زشتیها، و بدیهای شرک پاک شده اند و به طور کلی در نفس آنها غیر از خدا و آثار و صفات او چیزی را نمی توان یافت. حال اهل بیت با یک چنین خصوصیتی می تواند شامل همه انسانها یا همه قریش و... گردد، در اینجا به آیات قرآن اشاره ای می شود.

۳. اهل بیت پیامبر ﷺ ۱۳ معصوم پاک و مطهر هستند

الف) آیه تطهیر

و قرن فی بیوتکنّ و لا تبرّجن تبرّج الجاهلیّة الاوّلی و اقمّن الصلوة و
ءاتین الزّکاة و اطعن الله و رسوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس
اهل البیت و یطهّرکم تطهیراً^(۱).

در این آیه آورده شده که اهل بیت چه کسانی هستند، با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که پیغمبران الهی باید معصوم مطلق باشند یعنی اینکه هیچ‌گونه خطا، اشتباه، گناه و لغزشی از آنها نباید صادر شود. حال این عصمت و مصونیت از گناه تنها مربوط به یک عرصه مثلاً تنها مربوط به امور رسالت، نبوت نیست بلکه در همه شئون فردی و اجتماعی آنان از جمله اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و... نیز باید وجود داشته باشد چون هر پیامبری باید مورد اعتماد امت و همچنین طرف مخاطب این رسالت خود باشد، نمی‌شود که فقط در یک جنبه معصوم باشند و از نظر دیگر این‌گونه نباشند و عصمت به تنهایی جهت جلب اعتماد کافی نیست بلکه باید همیشه در تمام زمینه‌های دینی معصوم باشد تا بتواند اعتماد مردم را جلب کند اگر در زمینه‌ای عصمت داشته باشد و در زمینه دیگر نداشته باشد قابل اعتماد و محل امن برای مردم نخواهد بود و اما سخنان کسانی که می‌گویند چون آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم ﷺ است شامل آنها هم می‌شود - این نظریه قبلاً گفته شده - قابل قبول نیست؛

۱- الاحزاب / ۲۳. «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزاید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

چراکه «ترکیب "اهل بیت" دلالت می‌کند بر اینکه مخاطبان این آیه یعنی اهل بیت باید معصوم باشند»^(۱) اگر دقت شود، کسی پیدا نمی‌شود که عصمت را برای تمام مؤمنان بنی هاشم یعنی آل عقیل، آل جعفر، آل عباس، آل علی که صدقه بر آنها حرام است ادعا کرده باشد همان‌طور که ادعای عصمت برای همسران پیامبر اکرم ﷺ هم نشده است. اگر آیات قبل و ابتدای آیه تطهیر را مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد که خطاب‌هایی که در قرآن به همسران پیامبر اکرم ﷺ شده با عتاب، تهدید به طلاق، تهدید به عذاب و محدود کردن آنها به ماندن در خانه‌ها و... همراه است در حالی که خطاب به اهل بیت با احترام و اکرام همراه است. با توجه به مطالبی که قبلاً آورده شد که اهل بیت را شامل، همسران و اولاد رسول اکرم، مؤمنان بنی هاشم از زن و مرد گرفته یعنی کسانی که صدقه بر آنها حرام است حال از آل علی باشند یا آل جعفر، یا آل عباس و یا آل عقیل، می‌داند، در این صورت همه خلفای بنی عباس جزء اهل بیت هستند و رجس و پلیدی از آنها دور شده و تطهیر شده‌اند. اصلاً باید گفت که این‌گونه اظهارنظرها به هیچ وجه درست نیست. اینها «ملاک ارزش را ولادت، قرابت و خویشاوندی قرار داده‌اند»^(۲). اگر دقت شود، معلوم می‌شود که ولادت از هاشم و قرابت و خویشاوندی داشتن با رسول خدا ﷺ هرچند افتخار بزرگی است ولی بزرگ‌تر از آن، ملاک فضیلت و برتری مقام بزرگ ولایت است نه ولادت. «معیار در اینجا باید صلاحیت باشد نه قرابت و خویشاوندی»^(۳). چقدر روی این قضیه مانور داده‌اند که پیامبر از قریش بوده و... که به آنها اشاره شده است. با مراجعه به قرآن کریم دیده می‌شود که عمومی پیامبر اکرم ﷺ را به بدترین صورت مورد سرزش و شماتت قرار داده و می‌فرماید:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ^(۴)

ابولهب نابود شد و دو دستش که به رسول خدا ﷺ سنگ می‌زد، قطع گردید و یا درباره فرزند نوح می‌فرماید که او عملی غیر صالح است، او از اهل نوح نیست:

۱- تجلی ولایت در آیه تطهیر، جوادی آملی، ۶۲.

۲- همان، ۷۶.

۳- همان.

۴- مسد / ۱. «بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد».

قال يا نوح انه ليس من اهلك، انه عمل غير صالح^(۱).

و یا همسر نوح و همسر لوط را مثل و الگوی کافران و خائن به بیت پیامبر معرفی می‌کند:

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراً نوح و امراً لوط كانتا تحت
عبدین من عبادنا صالحین فخانتا هما فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً و
قیل ادخلا النار مع الداخلین^(۲).

و یا هنگامی که خداوند به پیامبرش حضرت ابراهیم علیه السلام گفت انی جاعلك للناس اماماً، و حضرت

ابراهیم گفت و من ذریتی، خداوند فرمود: لا ینال عهدی الظالمین^(۳).

با توجه به این آیات روشن و واضح است که یک انسان جهنمی و خائن به بیت نبوی که الگوی کافران است، نمی‌تواند اهل آن بیت باشد هرچند که شریک و همسر پیامبر یا فرزند یکی از پیامبران به حساب آید. بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ولایت و دوستی من نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام برایم محبوب‌تر از ولادت من از اوست، چون ولادت از او فضیلت است لیکن ولایت او فریضه و واجب است^(۴)». و یا در حدیثی از مولایمان امام علی علیه السلام آمده است: «دوست پیامبر صلی الله علیه و آله کسی است که خدا را اطاعت کند؛ گرچه از حیث نسب، دور باشد و دشمن آن حضرت کسی است که معصیت خدا می‌کند؛ گرچه از جهت نسب و قرابت نزدیک باشد^(۵)». بنابراین یک انسان آشنا به فرهنگ قرآن نمی‌تواند بگوید هر کسی که وابسته به خانه‌ای بود و نان‌خور آن خانه به حساب می‌آمد، از نظر قرآن کریم، اهل آن خانه است. پس با این حساب همه معصوم نیستند و تطهیری که خداوند در آیه تطهیر ذکر

۱- هود / ۴۶. «فرمود: ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او کرداری ناشایسته است.»

۲- التحريم / ۱۰. «خداوند برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست شوهران آنها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید.»

۳- البقره / ۱۲۴. «فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم، ابراهیم پرسید: از دودمانم چطور؟ و فرمود: پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

۴- بحار الانوار، ۲۹۹/۳۹.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۹۶.

می‌کند «معلوم است که یک تطهیر پزشکی و یا عرفی نیست»^(۱) که ناظر به این باشد که بیماری‌ها را از شما دور می‌کند و یا میکروب‌ها را از بدن شما بیرون می‌کند، این تطهیر قطعاً از جنس همان چیزهایی است که خود قرآن آنها را پلیدی و ناپاکی می‌نامد؛ هرچه قرآن از آن نهی می‌کند، هرچه که گناه شمرده شده، خواه این گناه اعتقادی باشد، اخلاقی و یا عملی باشد، منظور آیه، عصمت اهل بیت پیامبر است؛ یعنی پاک و منزّه بودن آنها از هر نوع آلودگی. اگر به قرآن مراجعه شود دیده می‌شود که همین آیه تطهیر در میان آیاتی قرار گرفته است که قبل و بعدش دربارهٔ زنان پیغمبر است:

يا نساء النبيّ لستنّ كاحدٍ من النساء ان اتقيتنّ فلا تخضعن بالقول
فيطمع الذي في قلبه مرضٌ و قلن قولاً معروفاً^(۲).

می‌فرماید: ای زنان پیامبر، شما با زن‌های دیگر فرقی دارید، این فرق به این جهت است که یک گناه آنها می‌شود دو گناه، به عنوان مثال اگر یک سید - نعوذ بالله - مشروب بخورد غیر از اینکه شراب خورده، یک کار دیگر هم کرده و آن این است که چون منسوب به پیغمبر و ذریه اوست، هتک حرمتی هم از پیغمبر کرده است. اگر دقت شود در این آیات ضمیرها همه مؤنث است: لستنّ كاحدٍ من النساء ان اتقيتنّ. معلوم است که مخاطب، زن‌های پیغمبر هستند، بعد از دو سه آیه یک مرتبه ضمیر، مذکر می‌شود و بعد به آیه تطهیر می‌رسیم و دو مرتبه ضمیر مؤنث می‌شود. قرآن هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد. آیات قبل و بعد آیه تطهیر همه تکلیف، تهدید، خوف و رجا و امر دربارهٔ زنان پیغمبر است: و قرن في بيوتكنّ و لا تبرجن تبرج الجاهلية؛ همه‌اش امر است و دستور و تهدید. «این آیه یعنی آیه تطهیر، بالاتر از مدح است. می‌خواهد مسئله تنزیه آنها از گناه و معصیت را بگوید»^(۳). در اینجا مخاطب اهل بیت است و در آن آیات نساء النبي. در اینجا ضمیر مذکر است و در آنجا مؤنث. خلاصه مراد از اهل بیت در آیه تطهیر افراد مخصوصی هستند که از جهت معنوی و روحی هماهنگی و یک سنخیتی با رسول اکرم ﷺ دارند. و در خود کتب اهل تسنن به تکرار آمده که این آیه در شأن چه کسانی نازل شده است.

۱- امامت و رهبری، مطهری، ۱۱۶.

۲- الاحزاب / ۲۲. «ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ‌یک از زنان دیگر نیستید. اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری ناشایسته گوید»

۳- امامت و رهبری، مطهری، ۱۱۸.

مثلاً ابوسعید خُدَری نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: آیه تطهیر درباره پنج تن نازل شده است: درباره من، درباره علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام (۱) و یا اینکه پس از نزول آیه تطهیر، مدتی طولانی رسول اکرم ﷺ هنگام صبح بر در خانه فاطمه زهرا (س) می ایستاد و دو دست خود را بر دو طرف چهارچوب در می گذاشت و می فرمود:

السلام علیکم اهل البیت و رحمة الله و برکاته، الصلاة رحمکم الله. «انما یرید الله لیذهب عنکم

الرجس اهل البیت و یطهركم تطهیراً.» انا حربٌ لمن حاربتم و انا سلمٌ لمن سالمتم (۲).

«و از ابن عباس نقل شده است که هر روز وقت هر نماز، یعنی روزی پنج مرتبه این کار را می کرد که گفته اند مدت انجام این کار پیامبر تا آخر عمر شریفشان بوده است (۳).»

با توجه به اینکه اهل سنت سرزدن گناه صغیره را برای انبیا و امامان جایز می دانند و اشاعره انجام گناه کبیره را جایز می دانند ولی امامیه انبیا و ائمه را منزّه از معاصی می دانند با این دیدگاه است که همه افراد را در اهل بیت پیامبر داخل می کنند که با آنچه گفته شد، ردی بر این نظریه های پوچ آنان خواهد بود. پس معصوم از خطا و گناه به مقتضی آیه تطهیر اختصاص به وجودهای مقدس حضرت رسول الله و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و حسنین علیهم السلام دارد و طبق روایاتی از شیعه و سنی شامل تمام ائمه اثنی عشر می گردد و لا غیر. از امام علی علیه السلام آمده که می فرماید: «روزی یک بار و شبی یک بار بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم و گاهی نیز او بر من وارد می شد، آن گاه که من بر او وارد می شدم همسرانش را از اتاق بیرون می کرد به گونه ای که جز من و او کسی در اتاق نبود. اما وقتی او به خانه من می آمد، فاطمه و فرزندانم را بیرون نمی کرد، وقتی از او پرسش می کردم جوابم را می داد و آن گاه که سوالاتم تمام می شد او شروع می کرد (۴).»

این نشان دهنده هماهنگی و سنخیت روحی اعضای خانواده با علی علیه السلام است و بدین ترتیب آن دو سرور بزرگوار اهل بهشت یعنی امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز سنخیت روحی با جد بزرگوارشان یعنی

۱- در المنثور، ۶/۴۰۴.

۲- در المنثور، ۶/۴۰۶.

۳- همان.

۴- اصول کافی، ۱/۲۰۰.

پیامبر اکرم ﷺ داشتند. با توجه به این نکته که دربارهٔ حسنین علیهما السلام ذکر شده سایر ائمه نیز از این هماهنگی و سنخیت روحی برخوردارند و آنان هم مصداق آیه تطهیر هستند و این ادعای شیعه که تمام امامان را جزء اهل بیت می‌داند، اثبات می‌شود.

«امام حسین علیه السلام از پدرش نقل کرده که فرمود: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که در خانه ام سلمه بود و آیه تطهیر بر او نازل شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی، این آیه دربارهٔ تو و نوه‌هایم و حسن و حسین و امامان بعد از توست. گفتم یا رسول الله صلی الله علیه و آله امامان بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: یا علی، اول آنها تو هستی، سپس فرزندان حسن و حسین و بعد از حسین فرزندش علی و... اسامی دوازده امام به همین ترتیب بر ساق عرش نوشته شده است. از خدای سبحان پرسیدم: این افراد چه کسانی هستند؟ فرمود: ای محمد، اینها امامان بعد از تو هستند که مطهر و معصوم‌اند و دشمنانشان ملعون هستند^(۱)».

و یا در جای دیگر آمده است که این آیه تطهیر «اربابان طهارت را در بر دارد که شامل محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی و الحسن و پسرش هادی مهدی علیه السلام می‌باشد^(۲)».

ب) آیه مباهله

فمن حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعِ ابْنَاءَنَا وَ
ابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ^(۳).

با توجه به آیه تطهیر به خوبی و روشنی اهل بیت پیامبر مشخص شدند؛ اما باز آیه مباهله را نیز مطرح

۱- البرهان فی علوم القرآن، ۴/۴۴۴، ح ۵، ذیل آیه ۲۳ الاحزاب.

۲- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۱/۳۰۷.

۳- آل عمران / ۶۱. «پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را حاصل آمده با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

کرده و اشاره‌ای به آن می‌شود. در این آیه نیز اهل بیت آن حضرت به گونه‌ای خاص معرفی شده‌اند. در این داستان مباحله که در سال‌های آخر عمر شریف رسول اکرم ﷺ اتفاق افتاد که گروهی از نصاری نجران به مدینه آمدند و با حضور در مسجد آن حضرت به بحث و گفت‌وگو با وی پرداختند و با آنکه حق، برای آنها روشن شده بود از روی لجاجت و دشمنی حاضر به پذیرش حق نشدند؛ از این رو پیامبر مأمور شد که به آنها پیشنهاد مباحله بدهد، بدین صورت که پیامبر و رئیس هیئت نجران، عزیزترین افراد خود را از میان فرزندان و زنان و از میان مردها کسانی که به منزلهٔ جانشینان هستند دور هم آورند و در مقابل هم قرار گیرند و بعد هر دو گروه شروع به نفرین کنند و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهند، با این حساب، آن هیئت در ابتدای کار، مباحله را پذیرفت. پیامبر اکرم ﷺ برای این امر خطیر و بسیار مهم، از میان مردها فقط علی بن ابی طالب و از میان زنها، تنها فاطمه زهرا(س) و از میان فرزندان فقط حسن و حسین را انتخاب کرد. هیئت نجران با دیدن همراهان پیامبر اکرم ﷺ و جدیت آن حضرت در این میدان، از انجام مباحله منصرف شد. با توجه به جمع بودن کلمات «ابناء»، «انفس» و «نساء» پیامبر باید حداقل نه نفر را همراه خود می‌برد؛ یعنی سه مرد، سه زن، سه فرزند، در حالی که فقط چهار نفر را همراه خود برد. این نشان می‌دهد که آن حضرت بیش از چهار نفر واجد صلاحیت برای شرکت در میدان مبارزه معنوی نیافت.

ج) حدیث ثقلین

أَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا.

در این حدیث که به تواتر نقل شده است بیانگر این نکته است که عترت بیان‌کننده سنت است و همه سنت نزد آنها خواهد بود. سنت پیامبر باید از عترت او دریافت شود و این مطلب به تنهایی نیست، عصمت هم در کنارش مطرح می‌شود؛ چراکه پیامبر در این حدیث می‌فرماید دین را از این دو منبع بگیرید، همان‌طور که قرآن معصوم است، یعنی در آن خطا و اشتباه وجود ندارد؛ در نتیجه این مطلب اهل بیت هم باید معصوم باشند محال است که پیغمبر بگوید بعد از من، دین را از فلان شخص بگیرید ولی بعد، آن شخص برخی از سخنانش اشتباه و نادرست باشد. با توجه به اینکه اسلام دینی جامع و کلی

است، این سؤال پیش می‌آید که آیا بیان اسلام، همان مقداری است که در قرآن، اصول و کلیاتش ذکر شده و یا در کلمات پیامبر اکرم ﷺ آمده است؟ یعنی همه اسلام همین است؟ و یا اینکه بعد از پیامبر، اسلام نازل شده بر او که هنوز خیلی از مسائل آن از باب اینکه باید یک نیازی پیش بیاید، و یا زمان بگذرد و تدریجی بیان شود، هنوز بیان نشده است؟ و در نزد علی علیه السلام است که ایشان باید مطرح نمایند. به طور قطع و مسلم، جزئیات مطرح نشده باید توسط عترت که همان اهل بیت پیامبر هستند که به طور مفصل در آیه تطهیر درباره آن بحث شد، که معصوم و دور از هرگونه خطا و اشتباه و یا رجسی هستند بیان شود و اصلاً علمای اهل تسنن نمی‌توانند در وجود و صحت چنین حدیثی اختلاف داشته باشند و ندارند. و مقصود از این آیه به طور کلی این است که قرآن و عترت که در کنار هم آمده خواسته این مطلب را برسانند: یکی اینکه قرآن که به آن مراجعه کنید و دیگر عترت که به آنها مراجعه کنید؛ زیرا در دنباله حدیث می‌فرماید: **لَنْ تَضَلُّوا مَا ان تَمَسَّكُمْ بِهِمَا اَبَدًا** (تا وقتی به این دو بچسبید گمراه نمی‌شوید). پس باید این عترت افرادی باشند که سبب گمراهی مردم نشوند. فقط درباره سندیت حدیث ثقلین، آقای میرحامد حسینی صاحب عبقات الانوار یک کتابی با قطع بزرگ و در چهارصد صفحه نوشته است.

د) حدیث شریف کساء

در این زمینه آمده است که پیامبر ﷺ در خانه ام سلمه بود. جبرئیل آیه تطهیر را بر آن حضرت نازل کرد. آن‌گاه رسول اکرم ﷺ حسن و حسین، فاطمه زهرا و علی علیه السلام را احضار کرد، و اطراف خود نشاند. سپس پارچه‌ای را بر سر همگی کشید و با خواندن این آیه عرض داشت:

اللهم هولاء اهل بیتی، اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً.

ام سلمه با دیدن این صحنه گفت: یا رسول الله، آیا من نیز در این مجموعه داخل هستم و مشمول این آیه می‌گردم؟ پیامبر فرمود: تو بر مکانت و منزلت خود هستی، تو به خیر هستی^(۱).

این حدیث و احادیث مشابه این مطلب، نشانگر و بیانگر «غبطه ام سلمه از عدم توفیق حضور در میان

۱- جامع البیان فی تأویل ای القرآن، ۷/۲۲ ذیل آیه ۲۳ الاحزاب.

آن جمع است^(۱)». هر چند که ام سلمه از زن‌های صالح و شایسته رسول اکرم ﷺ بود و شخصیتی بود که در نزد شیعه و سنی از احترام ویژه‌ای برخوردار است و ائمه علیهم السلام از او به عظمت یاد می‌کردند ولی رسول خدا ﷺ حاضر نشد او را در آن جمع داخل کند. و این راه ندادن ام سلمه در حقیقت تنبّهی است که وقتی ام سلمه با آن مقام خاصی که دارد جزء اهل بیت نیست، افراد دیگر حتماً از این عنوان خارج هستند.

ه) حدیث سفینه

در این حدیث هم اهل بیت پیامبر معرفی شده‌اند که به صورت متواتر هم نقل شده است:

مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركب فیها نجی و من تخلف عنها غرق^(۲).

با دقت در این حدیث روشن می‌شود که منظور پیامبر این است که هر کس به اهل بیت من تمسک جوید و از آنان پیروی و اطاعت کند هیچ‌گاه گمراه و ذلیل نخواهد شد. این اهل بیت پیامبر باید کسانی باشند که ارجاع به آنها سبب هدایت و معرفت انسان‌ها به خداوند شود که به عنوان کشتی نجات از آنها یاد کرده است. پس هر کسی نمی‌تواند جزء این خاندان پاک که به عنوان نجات دهنده انسان‌ها مطرح است باشد چون مقامشان به حدی است که پیروی نکردن از آنها و دنباله‌روی نکردن از آنها سبب غرق شدن انسان‌ها در گناهان و فرو رفتن در بدی‌ها خواهد شد. پس چه کسانی بهتر از اهل بیت پیامبر که به مقام پاکی رسیدند و از رجس و پلیدی دور شده‌اند و در کنار قرآن از آنها یاد شده می‌تواند هدایتگر معنوی انسان‌ها و مسبب رشد و کمال آنها شود.

پس با توجه به مطالبی که گذشت، اهل بیت پیامبر مشخص شدند که علاوه بر خمسه طیبه، نه نفر از فرزندان امام حسین علیهم السلام هم که بر طبق حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نام آنها بر ساقه عرش نوشته شده نیز هستند و محل و مقر رجوع مردم خواهند بود.

۱- تجلی ولایت در آیه تطهیر، ۸۶.

۲- مفاتیح الغیب، ۱۶۷/۲۷.

و) نقل چند حدیث دیگر

اکنون به یک سری از احادیثی در این زمینه جهت روشن تر شدن مطلب اشاره می شود:

۱. از ابن عباس آورده اند که چون آیه قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، این خویشاوندانی که مودت آنها بر ما واجب شده است کیان اند؟ فرمود: علی، فاطمه و دو فرزندانشان. خداوند مودت و محبت این اهل بیت بزرگوار و ذریه آنها را بر تمام خلق خود لازم و فرض فرمود. همانا خداوند پاداش مرا مودت خاندانم قرار داد و من در آخرت از شما در این باره سؤال خواهم کرد.»

قال ابو علی الطبرسی رحمه الله اخبرنا مهدی بن نزار الحسینی باسناده عن رجاله عن ابن عباس قال لما انزل الله «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» قالوا یا رسول الله من هؤلاء الذین امرنا الله بمودتهم قال علی و فاطمة و ولدهما^(۱).

۲. فرات قال حدثنی الحسین بن سعید قال حدثنا محمد بن علی بن خلف العطار قال حدثنا الحسین بن الاشقر عن قیس بن ربیع عن الاعمش عن سعید بن جبیر عن ابن عباس - رضی الله عنه - قال: لما نزلت «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی». قلت یا رسول الله، من قرابتك الذین افترض الله علینا مودتهم قال علی و فاطمة و ولدهما (ثلاث مرات یقولها)^(۲).

در باره الا المودة فی القربی، سعید بن جبیر گفت: قریبی یعنی کسانی از آل محمد علیهم السلام می باشند^(۳). و یا الحسین بن محمد اشعری عن معلی بن محمد عن الوشاء عن مثنی عن زراره عن عبدالله بن عجلان عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی:

«قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» قال هم الائمة علیهم السلام^(۴).

در ذکر مقتل امام حسین علیه السلام آمده که با وجود اینکه علی بن الحسین جوانی برنا بود، شیخی از شیوخ اهل شام بر او وارد شد و در جمع همه گفت: خدا را شکر (در حالی که رو به امام علی بن الحسین کرده

۱- الغدیر، ۱۸۸/۴؛ تأویل الایات الظاهرة، ۵۳۱؛ الطرائف، مناقب اصحاب الکساء و فضلهم علیهم السلام، ۱۱۲/۱.

۲- تفسیر فرات الکوفی، ۳۸۸.

۳- العمدة، الفصل التاسع، ۵۸.

۴- الکافی، باب فیہ نکت و تنفی من التنزیل فی الولاية، ۴۱۳/۱.

بود) که شما را کشتند و هلاکتان کردند و ریشهٔ فتنه را قطع کردند. همین که کلامش تمام شد علی بن الحسین به او گفت: کتاب خدا - عَزَّوَجَلَّ - را خوانده‌ای؟ گفت: بله. امام فرمود: این آیه قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربى را خوانده‌ای؟ گفت: بلی. امام فرمود: پس ما آنها هستیم. سپس فرمود: این آیه و آت ذا القربى حقه را خوانده‌ای؟ گفت: بلی. امام فرمود: ما آنها هستیم. امام دوباره پرسید: پس آیا این آیه را نیز خوانده‌ای: ... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً؟ گفت: بله. امام فرمود: ما آنها ایم. پس فرد شامی دستش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «اللهم انى اتوب اليك». این را سه مرتبه گفت و بعد گفت: «اللهم انى ابرء اليك من عدو آل محمد و من قتل اهل بيت محمد». (۱)

با توجه به این احادیثی که در این زمینه آورده شد، روشن می‌شود که دربارهٔ پنج تن آل عبا، بین شیعه و سنی اختلافی نیست تنها اختلاف آنها، این است که سنی در اینکه بقیه امامان را مثل شیعه در اهل بیت پیامبر داخل بدانند یا نه، مانده‌اند که با توجه به عصمت و تطهیر امامان و حدیثی که از امام علی عليه السلام که بر ساق عرش نوشته شده است، همهٔ ائمه در این مجموعه اهل بیت پیامبر داخل هستند.